بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید

المرسلین وعترته الاکرمین اما بعد

چنین گوید احقر عباد الله محمد باقر ابن محمد تقی

که چون نماز از عمدهٔ ارکان ایمان است

میباید بندهٔ مومن شرائط و آداب آنرا بداند

از انجمله میباید بداند که خداوندی دارد که همه
آسمانها و زمینها و خلایق را آفریده است
و بر هر عاقلی ظاهر است که هیچ بنائی بی بنا
نمیباشد و اگر هزار کس گویند بطفلی که اندک
شعوری داشته باشد که فلان بنا خود بخود
بهم رسیده است البته آن طفل قبول نمیکند
پس وجود حق سبحانه تعالی ظاهر است نزد
هر عاقلی و لیکن میباید که خداوند خود را
منزه داند از انکه شبیه بمخلوقی از مخلوقات
باشد پس بداند که جسم نیست مانند هوا و نور
و بزرگی و کوچکی و رنگ و بو و مزه ندارد

و بدیدن و شنیدن و بوئیدن و چشیدن و لمس
کردن احساس او نمیتوان نمود و مکان ندارد و در
عرش و کرسی نیست باآنکه در همه جا هست و در
هیچ جا نیست باینمعنی که علم و قدرتش بهمه چیز احاطه
کرده ولیکن عقل بکنه ذات او نمی تواند رسید
نمی بینی که کور مادرزاد علم دارد که سرخ و زرد
و سبز میباشد اما تصور رنگها نمیتواند کرد و هرچه
تصور کند غلط کرده است دیگر بدانکه حق سبحانه
و تعالی قادر است و مختار است و بقدرت
کامله خود همه اشیارا از عدم بوجود آورده
است و عالم است بهمه اشیا و همه نزد او ظاهر

است و در ازل آزال علم داشت بجمیع انچه در
ابد آباد آفریده است و هرچه را اراده کند
که موجود شود بمجرد اراده موجود میشود و چون
آدمی فکر کند در هر ذره از ذرات کائنات
[...] او ظاهر میشود که خداوندی دارد که آنرا
ایجاد کرده است و آدمی بخود راه نمیدهد که
کاری را عبث بکند یقین که تجویز نخواهد کرد که
خداوندا که قدرتش بر کمال است و علمش
لایزال است کاریکه بد یا عبث باشد بکند و هرچه
کرده است یا میکند همه عین حکمت و مصلحت
بندگان اوست و دیگر خود فرموده است

من همه خلق را آفریدم که بندگی کنند مرا و مراد

نه آنست که محتاج بندگی ایشان باشم بلکه میخواهم که

بندگی کنند مرا تا قابل ثوابهای غیر متناهی من شوند

و چون میان بندگان و خداوند ایشان بعدی عظیم

بود و همه کس قابل دریافت مراد الهی نبودند

جمعی از ایشان را قابل رسالت گردانید و بجمیع

کمالات موصوف ساخت و ایشانرا بخلائق

فرستاد و هریک از ایشانرا معجزات کرامت

فرمود تا بر خلائق ظاهر شود که ایشان از جانب او

بخلق آمده اند ازانجمله پیغمبر ما صلی الله علیه و آله را

بما فرستاده و زیاده از هزار معجزه باو کرامت

فرمود بلکه هر معجزه که بهر پیغمبری داده بود همه را
بآنحضرت کرامت فرمود و از جمله خصائص آنحضرت
آنست که معجزه آنحضرت تا قیام قیامت باقی خواهد
بود بخلاف سائر انبیا که معجزه ایشان مخصوص
زمان حیات ایشان بود و بس و آن قرآن هست
جمیع فصحای عرب را فرمودند که مثل قرآن را
بیاورند عاجز شدند و باز فرمود که ده سوره
بیاورند و نتوانستند و عاجز شدند و باز فرمود
که مساوی یکسوره صغیری بیاورند نیاوردند و همه
عاجز شدند و اعتراف نمودند بعجز و هر که
بقبول
تعصب نورزید تشرف اسلام مشرف شد و اعجاز

قرآن از وجوه بسیار است اوّل از جهت فصاحت

و بلاغت که در اعلا مرتبه است دوم از جهت

نظم و اسلوبی که نشنیده بودند مثل آنرا سوم از

جهت احاطه بجمیع علوم اولین و آخرین چنانچه

زیاده از هزار سال است که چندین هزار عالم

و فاضل دران غور مینمایند و استنباط علوم

میکنند و بقطرهٔ از ان دریا نرسیدند و هرچند بیشتر

فکر میکنند بیشتر ظاهر میشود و بانکه آنحضرت نزد عالمی

تردد نکرده بود بلکه درمیان عرب خصوصًا در

مکهٔ معظمه عالمی نبود معهذا خبر میداد از جمیع کتب پیغمبران

و از جمیع احوال ایشان چهارم آنکه هر کتابی

وهر حکایتی راکه دو بار خوانند بار سوم نمی توان
خواند وشنید بخلاف قرآن که اگر صد هزار مرتبه
خوانده شود رغبت زیاده میشود ❁ سوم آنست
که در قرآن مجید حق سبحانه تعالی خبر از آینده بسیار
داده است که همه واقع شده است وبسیاری
دیگر خبر را داده است که واقع خواهد شد ❁
چهارم آنکه شفای همه دردهاست ودافع ورافع همه
بلاهاست هر آیتی راکه از جهت هر مطلوبی از روی
اخلاص بخوانند البته آنحاجت روا میشود وبیان
عجاز ومعجزاتی که مشتمل است قرآن مجید بران
تصور نمیتوان نمود وهمچنین معجزات دیگر که از انحضرت

ظاهر شد مانند زنده کردن مردگان و شق قمر
و گواهی دادن سنگ و چوب و در و دیوار بر
پیغمبری آنحضرت و همچنین هر معجزاتی که بر دست
حضرت امیر المومنین علیه السلام و حضرات ائمه
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین ظاهر شده است
چنانکه دلیل حقیت امامت ایشان و دلیل نبوت
آنحضرت است زیرا که آنجماعت با این معجزات
تصدیق نبوت آنحضرت کرده اند بلکه معجزات همه
دلیل وجود واجب الوجود نیز هست چنانکه جمیع
پیغمبران که معجزات مینمودند خلق میگفتند که اگر خدا
نمی بود ایشان کی قدرت بر این امور میداشتند

باید اعتقاد کند که بعد از حضرت رسول صلی الله

علیه و آله حضرت امیر المومنین علیه السلام خلیفه

و جانشین آنحضرت است و اطاعت او بر همه

خلق واجب است و بعد از او حضرت امام حسن

علیه السلام و بعد از و حضرت امام حسین علیه السلام

و بعد از و حضرت امام زین العابدین علیه السلام

و بعد از و حضرت امام محمد باقر علیه السلام

و بعد از و حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام

و بعد از و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

و بعد از و حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

و بعد از و حضرت امام محمد بن تقی علیه السلام

وبعد از و حضرت امام علی النقی علیه السلام

وبعد از و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

وبعد از و حضرت صاحب الزمان که امام

این زمانست و غائب است و ظاهر خواهد شد

و عالم را پر از عدل و داد خواهد کرد و همه

کافران و [redacted]

و چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه

و آله از حج وداع رجوع نمودند و بغدیر خم

رسیدند امر الهی رسید که آن حضرت علی

بن ابیطالب را وصی خود و جانشین نماید

وبعد از ان حضرت رسول و یازده معصوم

دیگر را فرموده‌اند که خلیفه و جانشین من خواهند بود
به ترتیب دوازده امام دوازدهم غائب خواهد شد
و بعد از آن ظاهر خواهد شد و عالم را پر از عدل
و داد خواهد کرد بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد
و دیگر میباید که اعتقاد کند به آنکه هرچه خاتم پیغمبران
فرموده است حق است و از آنجمله آنست که چون
حضرت امام محمد مهدی صلوات الله علیه ظاهر
خواهد شد دشمنان ایشانرا زنده خواهد کرد
و بسیاری از خواص شیعه نیز زنده خواهند شد
و شیعیان داد خود را از دشمنان ایشان
خواهند خواست چنانچه حق سبحانه و تعالی در

قرآن مجید خبر داده است از آن با سائر اخباری

که حق سبحانه و تعالی خبر داده است و باید اعتقاد

کند که سوال قبر و عذاب قبر و ثواب قبر حق

است و قیامت حق است و جمیع مردکان زنده

خواهند شد و بجزای عمل خود خواهند رسید و

بهشت حق است و دوزخ حق است و چون

بنده بالغ و عاقل باشد و خواهد که نماز کند پس

اگر جنب باشد و وقت نماز داخل شده باشد

غسل جنابت میکند و چنین نیت میکند که غسل جنابت

میکنم از جهت مباح بودن این نماز و باقی نمازها

و باقی چیزها که بسبب آن مباح میشود واجب تقرب

بخدا و اگر قصد رضای خدا کند کافیست یعنی قصد
میکند که چون حق سبحانه و تعالی فرموده است
اطاعت امر او میکنم و اگر پیش از دخول وقت
باشد قصد قربت میکند و بس و قصد واجب و سنت
نمیکند و اگر قصد مباح بودن نماز مطلق میکند که هر
نمازی که خواهد تواند کرد بهتر است و همچنین اگر
وضو نداشته باشد وضو سازد و اگر وقت
داخل شده باشد بقصد وجوب و اگر پیش از وقت
باشد بقصد قربت و همچنین اگر زنی حائض یا نفسا باشد
و پاک شده باشد از خون غسل حیض و نفاس را
واقع میسازد و پس اگر بعد از دخول وقت باشد

بقصد وجوب غسل میکند واگر پیش از دخول وقت باشد
بقصد قربت و اگر نمازی در ذمت ایشان باشد
غسل و وضو را بقصد نماز قضا واقع می سازند
بقصد وجوب و اگر علم بقضا نداشته باشد چنانکه
گفتم نیت میکند که غسل میکنم بجهت رفع حدث و
مباح بودن نماز و هر چیزیکه بغسل مباح میشود
قربة الی الله و چون نیت غسل کند آب بر سر
ریزد و تمام سر و گردن را بشوید و اگر مو داشته باشد
آب بزیر مو برساند و اگر گوشش سوراخ داشته باشد
احوط آنست که آب بسوراخ گوش برساند و مجرب
است که سوراخ بهم نمی آید هر چند مدتها شده باشد

وآب بته موالیه باید رسانید ومشهور آنست که
شستن مو درکار نیست واگر بشوید احوط است و
بهتر آنست زنان راکه موهای بافته را بگشایند
خصوصا در غسل حیض ونفاس وچون از شستن سر
وگردن فارغ شود بدن را می‌شوید واحوط آنست
که اول جانب راست را بشوید وبعد از آن جانب چپ را
وبعد از غسل جنابت احتیاج بوضو نیست وبعد از
غسل حیض ونفاس ومس میت نیز درکار نیست
غسل کافیست ولیکن اگر وضو احتیاطا پیش از غسل
واقع سازد بهتر است بقصد قربت واگر بعد از
نیت بآب فرو رود کافیست واین غسل را

ارتماسی نیکو نیند و اگر روزه باشد باید که غسل ترتیبی

بعمل آورد و سر را به آب فرو نبرد و در همه حال غسل

ترتیبی بهتر است و اگر در حمام غسل کند اول سر

و گردن را همچنان آب نخورد انجا نشسته

بیرون آب باشد بشوید بهتر است و اگر اندرون

آب باشد قصد شستن آن بکند و حرکت بدهد دستی

بمالد که آب بجانب راست همه جا برسد و بعد ازان

جانب چپ را بدستور بشوید خوب است و اگر در

شستن هر طرف بارا از آب بیرون آورد و آب را

بریزد و پای را داخل کند بهتر است و اگر در غسل

ارتماسی بدن را اول پاک سازد و تخته را بر آب

کشد و بالای تخته رو و نیت کند و هموار داخل آب
شو و بهتر است و وسواس از شیطان است و نیت
وطهارت و نیت امریست قلبی که همه کس دارد چون
وضو سازد و نیت کند احوط آنست که آب را از
جانب بالای رو و رستنگاه موی سر بریزد و مقداری
از رو رامی شوید که انگشت مهین و میانین بران بگردد
و ما بقی را تا گوش بقصد احتیاط میشوید و اگر ریش او
کثیف باشد که ته مو نمایان نباشد روی مو رامی شوید
واگر تنک باشد پس اگر مانند مورچه پی باشد آب بهمه جا
میرساند و اگر بعضی پیدا نباشد و بعضی پیدا باشد احتیاطاً
آب بهمه جا برساند بعنوان جریان و بعد از آن دست

راست را بشوید و ابتدا از مرفق کند تا سر انگشتان

و مرد اول آب را بر پشت دست بریزد و زن

آب را بر شکم دست بریزد و دست را از بالا

بپایین آورد و بهتر آنست که دست را برنگرداند

و بر دارد و باز از بالا بپایین آورد تا آب بر همه

دست جاری شود و سر دست راست را بشوید

هر چند تری داشته باشد و احوط آنست که آب

به ته ناخنها برساند و ناخنها را بگیرد یا چرک آنرا

بیرون کشد بعد از آن دست چپ را بهمین دستور

میشوید و بعد از آن مسح پیش سر را میکند و بهتر آنست

که اقلاً مقدار سه انگشت را بسه انگشت بکشد و بهتر

آنست که بدست راست بکشد و آنمقدار آب در دست
نمانده باشد که اول غسل بفعل آید و چون خواهد که
مسح کند آب دستها را بیفشاند که کم شود و از بالای
سر بپایین بکشد و بهتر آنست که دست بتری پیش سر
نرسد و بهتر آنست که بدست راست مسح پای راست
بکشد و بدست چپ پای چپ را مسح کند از آبی که از
وضو مانده باشد و آب تازه برندارد و احوط
آنست که بجمیع کفدست پاها را مسح کند و اول پای
راست را مسح کند و دیگر پای چپ را و سنت است
که اول دستها را تا بند دست یکمرتبه بشوید اگر وضو
از خواب یا بول سازد و دو مرتبه بشوید اگر از

حدث غائط باشد و در غسل سه مرتبه بشوید و

مستحب است که این دعاها را بخواند باین نحو که

چون خواهد که آب وضو را بردارد و دست بشوید

این دعا را بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ

لِلّٰهِ الَّذِیْ جَعَلَ الْمَآءَ طَهُوْرًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ

نَجِسًا یعنی وضو میسازم بنام [illegible] ذات

مقدس او و حمد میکنم خداوندی را که آب را پاک

کننده گردانیده است و نجس نگردانیده است

و بعد از مضمضه بخواند اَللّٰهُمَّ لَقِّنِیْ حُجَّتِیْ یَوْمَ

اَلْقَاكَ وَاَطْلِقْ لِسَانِیْ بِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ

وَاجْعَلْنِیْ مِمَّنْ تَرْضٰی عَنْهُ یعنی خداوندا تلقین

نمابمن حجت مرا روزیکه ملاقات نمایم ترا یعنی
ملائکه تو وقتیکه ازمن سوال نمایند اعتقادات
مرا در قبر و گویا کردان زبان مرا بیاد تو و شکر تو
و بگردان مرا ازانها که خوشنود کردیده ازایشان
و بعد از استنشاق بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَیَّ رِیْحَ
الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِیْ مِمَّنْ یَشُمُّ رِیْحَهَا وَرَوْحَهَا
وَرَیْحَانَهَا وَطِیْبَهَا یعنی خداوندا حرام مکردان
برمن بوی بهشت را و بگردان مرا ازانها که میشنوند
بوی آنرا و نسیم آنرا و گلهای آنرا و بوی خوش آنرا
و بهتر آنست که مضمضه و استنشاق را سه مرتبه بکند و چون
آب بر روی ریزد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و بعد شستن رو یا ور اشنای آن بگوید.
اَللّٰهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ
الْوُجُوهُ وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ
تَبْيَضُّ فِيهِ الْوُجُوهُ یعنی خداوندا
سفید و نورانی گردان روی مرا روزیکه سیاه
میکردد دران بعضی از روها وسیاه و تیره
مگردان روی مرا روزیکه سفید میکردد دران بعضی
از روها یعنی روز قیامت وچون دست راست
بشوید بگوید اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي
وَالْخُلْدَ فِي الْجِنَانِ بِيَسَارِي وَحَاسِبْنِي
حِسَابًا يَسِيرًا یعنی خداوندا بده بمن در قیامت نامه

اعمال مرا بدست راست من و نامهٔ مخلد بودن در
بهشت را بدست چپ من و حساب کن مرا حساب
آسان و چون دست چپ را بشوید بگوید اَللّٰهُمَّ
لَا تُعْطِنِیْ کِتَابِیْ بِشِمَالِیْ وَلَا مِنْ وَرَآءِ
ظَهْرِیْ وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُوْلَةً اِلٰی عُنُقِیْ وَاَعُوْذُ
بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّیْرَانِ یعنی خدا و نداده
بمن در قیامت نامه مرا بدست چپ من و نه از
پشت سر من و مکر دان دست مرا غل کرده
بسوی گردن من و پناه میبرم بسوی تو از جامهای
که در جهنم برای کافران میبرند از آتش و چون مسح
سر مکیند بگوید اَللّٰهُمَّ غَشِّنِیْ بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ

وَعَفْوِكَ یعنی خداوندا فرو گیر از سر تا پای مرا
برحمت اخروی و برکتهای دنیوی و آمرزش
خود و چون مسح پاها کند بگوید اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْ
قَدَمَیَّ عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیْهِ
الْاَقْدَامُ وَاجْعَلْ سَعْیِیْ فِیْمَا یُرْضِیْكَ عَنِّیْ
یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ [illegible]
دو قدم مرا در قیامت بر صراط در روزی که
میلغزد در آن قدمهای کافران و عاصیان
و بگردان سعی و رفتار مرا در آنچه باعث خوشنودی
تو میگردد از من و چون متوجه نماز شود اذان
و اقامت بگوید و در اذان چهار مرتبه اللّٰه اکبر

بگوید یعنی خدا از آن بزرگتر است که عقلها باو تواند
رسید و دو مرتبه أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
یعنی گواهی میدهم که معبودی نیست سزاوار پرستیدن
بجز معبود یکتا بحق که متصف است بجمیع صفات
کمال و دو مرتبه بگوید أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللهِ یعنی گواهی میدهم که محمد پیغمبر فرستاده
خداست و دو مرتبه حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ یعنی بشتابید
بسوی نماز و دو مرتبه حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ یعنی
بشتابید بسوی چیزیکه موجب رستگاری آخرت است
و دو مرتبه حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ یعنی بشتابید بسوی
عملی که بهترین عملهاست که آن نماز است و دو مرتبه

اللهُ اَکبرُ دو مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ و در اقامت

دو اَللهُ اَکبَرُ از اول می اندازد و یک

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ از آخر و دو مرتبه قَدْ قَامَتِ

الصَّلٰوۃُ بعد از حَیَّ عَلٰی خَیْرِ الْعَمَلِ میگوید

و بگمان فقیر اگر در آخر اقامت نیز دو مرتبه

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ بگوید [illegible]ست

که درمیان اذان و اقامت بسجده رود و بگوید

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبِّیْ سَجَدْتُّ لَكَ خَاضِعًا

خَاشِعًا و اگر ایستاده اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید مجزی است

و در زنان آنقدر اذان و اقامت تاکیدنداد

که در مردان وارد و ایشان اکتفا بچهار مرتبه

اللّٰهُ اَکْبَرُ دو مرتبه اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
دو مرتبه اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ میتوانند
کرد و اگر همه را یک مرتبه بگویند ظاهرا کافیست
و اگر بشهادتین تنها بی اَللّٰهُ اَکْبَرُ اکتفا کنند مجزی است
و اذان و اقامت را تمام هم میتوانند گفت
بشرطیکه نامحرم صدای ایشانرا نشنود و اگر بعد از
شهادتین یکمرتبه یا دو مرتبه اَشْهَدُ اَنَّ عَلِیًّا
وَلِیُّ اللّٰهِ بگوید بقصد تبرک نه بقصد اینکه داخل جزو
اذان است بدنیست یعنی گواهی میدهم که علی ولی
خداست و صاحب اختیار امور خلائق است
و گفتن مُحَمَّدٌ وَعَلِیٌّ خَیْرُ الْبَشَرِ

داخل اذان نیست و در میان اذان و اقامت
خواندن این دعا سنت است اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ
قَلْبِی بَارًّا وَعَیْشِی قَارًّا وَرِزْقِی دَارًّا
وَاجْعَلْ لِی عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ مُسْتَقَرًّا وَقَرَارًا

[illegible]

زندگانی مرا در خوشی و شادمانی بود و روزی مرا
بسیار ریزنده و بگردان از برای من نزد قبر محمد
صلی الله علیه و آله محل قرار در حیات و بعد از
مرگ و مرد را سنت است که چون بنماز بایستد
پاهای خود را بقدر یک شبر از یکدیگر دور گذارد

سرهای انگشت کشاده نیز خوب است و باز کرده

و برابر یکدیگر باشند و انگشتان پاها رو بقبله باشد

و منحنی نباشد و دستها را بیاویزد و بر رانها

بگذارد و برابر زانوها و انگشتان باز نباشند و بیکدیگر

چسبیده باشند پس بنیت تکبیر الله اکبر بگوید

شش را بقصد سنت بجا آورد و یا آنکه اول سه مرتبه

بگوید اللهُ اکبرُ و در هر تکبیری هر دو دست را

بردارد تا به نرمهٔ گوش و کف دستها رو بقبله باشد

و بعد از آن این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ

الْمُبِيْنُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ

عَمِلْتُ سُوْءً وَظَلَمْتُ نَفْسِيْ فَاغْفِرْلِيْ ذَنْبِيْ

اَنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ

یعنی خداوندا توئی پادشاه ثابت و دائم نیست

معبودی بجز تو پاک میدانم و منزه میشمارم ترا از

هرچه لائق جلال ذات و کمال صفات تو نیست

و ترا حمد و شکر میکنم بد کرده ام و ستم بر نفس خود

[illegible] ام پس بیامرز مرا [illegible]

بدرستیکه نمی آمرزد گناهان را بغیر از تو پس ده

مرتبه بگوید اَللّٰهُ اَکْبَرُ و بگوید لَبَّیْکَ وَسَعْدَیْکَ

وَالْخَیْرُ فِی یَدَیْکَ وَالشَّرُّ لَیْسَ اِلَیْکَ

وَالْمَهْدِیُّ مَنْ هَدَیْتَ عَبْدُکَ وَابْنُ

عَبْدَیْکَ ذَلِیلٌ بَیْنَ یَدَیْکَ مِنْکَ

لبیک ولک والیک لا ملجا ولا منجی و

لا مفر ولا مهرب منک الا الیک

سبحانک وحنانیک تبارکت وتعالیت

سبحانک ربنا ورب البیت الحرام یعنی می ایستم بخدمت

تو ایستادنی بعد از ایستادنی یعنی همیشه در خدمت

تو ایستاده ام با آنکه چون مرا بنماز طلبیده اینک

اجابت تو کرده ام ولبیک گویان در خدمت

تو ایستاده ام و یاری میکنم ترا یاری نمودنی

بعد از یاری نمودنی یعنی پیوسته فرمان بردا

توام ونیکیهای دنیا وآخرت همه در دست

قدرت تست وبد از تو نیست وبسوی تو راهی ندا

هدایت یافته کسی است که تو او را هدایت کرده.
بندهٔ توام و کنیززادهٔ و غلام زادهٔ توام که در حد مت
تو ایستاده ام از تست ابتدای وجود من و بتست
بقا و یاوری من و از برای تست کارهای من و
بسوی تست بازگشت من نیست پناهی و امید گاهی
و گریز گاهی از تو مگر بسوی تو پاک و منزه میدانم
ساحت کبریائی ترا از غبار هرچه ترا نسزد و نشاید
و حال آنکه سوال میکنم از تو رحمت و مهربانی را
پیوسته و دائم مبدأ جمیع برکتها توئی در دنیا
و عقبی و بلندتری از ادراک عقلها و وهمها مقدس
و منزهی ای پروردگار خانهٔ کعبه یعنی معبود و

مقصود و م تو تی کعبہ و رو بہ کعبہ آورده ام بفرموده

تو پس تکبیر یکمرتبہ بگوید پس نیت کند که نماز صبح

میکنم از جهت آنکه واجب است قربة الی الله

و همین که در خاطرش باشد نیت است پس بگوید

اَللهُ اَکْبَرُ تکبیر احرام را و این دعا بخواند وَجَّهْتُ

وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ

عَلٰی مِلَّةِ اِبْرَاهِیْمَ وَدِیْنِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ

وَاٰلِهٖ وَمِنْهَاجِ عَلِیٍّ حَنِیْفًا مُّسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ

الْمُشْرِکِیْنَ اِنَّ صَلٰوتِیْ وَنُسُکِیْ وَمَحْیَایَ

وَمَمَاتِیْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ لَا شَرِیْکَ لَهٗ

وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ

یعنی روی دل خود را گردانیدم برای آنکسی که
بی ماده و مدت محض بکمال قدرت بیافرید آسمانها
و زمینها را در حالتیکه بر ملت یگانه پرستی
حضرت ابراهیم و دین حق محمد صلی الله علیه و آله و
طریق مستقیم علی علیه السلام در اصول و فروع
دین ثابت و راسخم و مائلم از شرک و ادیان
باطله بسوی توحید تو و دین حق رسول خدا
و ائمه هدی علیهم السلام و منقادم جمیع اوامر و نواهی
ایشانرا و نیستم از شرک آورندگان نه شرک جلی
مانند بت پرستی و نه بشرک خفی مانند ریا و متابعت
و موالات غیر ائمه هدی علیهم السلام بد پرستی که نماز

من ونسک من یعنی قربانی من یا حج من یا همه
عبادتهای من وزندگانی من ومردن من یا آنچه
برانم در زندگی من وآنچه بمن میرسد بعد از مردن
من خالص است از برای خدا وندیکه پروردگار
جهانیان است نیست او را شریکی و انبازی در خلق
عالم و در معبودیت واستحقاق عبادات یعنی در
عبادات کسی را با او شریک نمیکنم و باین مامور
شده ام از جانب خدا که او را بیگانگی پرستم و من از
جمله مطیعان و فرمانبردارانم واین کلمات
فی الحقیقت نیت نماز است و عمده آنچه در همه
عبادات معتبر است همین اخلاص است که درین

فقرات مذکور است پس بگوید اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ

الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ یا بگوید اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِیعِ

العَلِیمِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ یعنی پناه میگیرم

و التجا میبرم بمعبود بحق و خداوند مطلق که شنواست

جمیع گفتهای خلائق را و داناست جمیع معلومات را

خصوصا اعمال و نیات بندگان را از شر و وسوسه

دیو فریبنده سرکش یا دور مانده از رحمت حق و رجیم

است یعنی سنگباران کرده اند او را ملائکه چون از

آسمان رانند یا به تیر شهاب یا به لعنت خدا و خلق

مرجوم است پس سورهٔ حمد بخواند بقصد وجوب

و یکسورهٔ تمام بخواند بقصد قربت و چون قرائت

سوره حمد در نماز واجب است و بهترین سورها در اکثر
نمازها بعد از آن سورهٔ قل هو الله احد و سورهٔ انا انزلناه
است ترجمه این سورها بر سبیل اجمال مناسب است
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ یعنی استعانت میجوییم بنام
خداوندی که سزاوار پرستش است و مستجمع جمیع
صفات کمال است و رحمن است بنعمتهای عام نسبت
بجمیع خلق و رحیم است برحمتهای خاص نسبت بمومنان
در دنیا و آخرت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ یعنی
جمیع ستایشها مخصوص خداوندیست که آفریننده
و تربیت کننده جمیع عالمیان است اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
تاکید بسمله است یا آنکه در انجا مراد رحمانیت و

و رحیمیت دنیا است و درانجا رحمانیت و رحیمیت
آخرت است که بار دیگر ایشان را حیات می بخشد
و مومنان را می آمرزد و داخل بهشت میکرداند
مَالِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ یعنی جزا دهنده روز
جزا یا متصرف در امور در روز جزا و جمعی از قراء ملک
خوانده‌اند بدون الف و فتح میم و کسر لام یعنی پادشاه
روز جزا و هر دو جائز است و چون اکثر روایات
دلالت بر مالک دارد و شاید اختیار آن اولی
باشد و چون سبب استعاذت از شیطان رجیم
و استعانت از خداوند رحیم و تذکر صفات کمالیه
رب العالمین و اقرار بیوم الدین او را بعد از غایت

بعد فی الجمله قرب و بعد از نهایت هجران اندک
وصلی بهم رسید از مقام غیبت گویا بمجلس انس و
حضور رسیده بعنوان مخاطبت سخن میگوید که اِیَّاکَ
نَعْبُدُ یعنی عبادت میکنم ترا و بس و در اینمقام
دیگران را نیز ضم کرد که شاید ببرکت آنها عبادت
او نیز قبول کرده و چون این کلام موهم این بود
که او مفاخرت بعبادت خود میکند و خود را مستقل
در ان میداند بعد از ان فرمود وَاِیَّاکَ
نَسْتَعِیْنُ یعنی از تو استعانت میجوییم و بس نه از
غیر تو در همه امور خصوصا در عبادت و چون آداب
مقرره دعا از توسل بجناب مقدس الهی و حمد او

بر نعم غیر متناهی و ذکر او بصفات کمالیه
و وسیله امام الحاجت از اظهار عبادت بعمل
آور د و دعا احب عبادت است بسوی خدا و اعظم
اسباب قربت در درگاه حق تعالی شروع بدعا
نمود و چون هدایت براه دین اعظم مطالب است
نزد ارباب یقین ابتدا بآن نمود و فرمود اِهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ یعنی هدایت و رهنمائی کن ما را
براه راست یعنی راه حق زیرا که راه حق راست
میرود بسوی بهشت صوری و معنوی و در آن
افراط و تفریط و غلو و تقصیر نمی باشد زیرا که در هر
امری کسیکه غلو میکند از جانب راست از حق

بدر رفته است وکسی که تقصیر میکند از جانب چپ
از حق بدر رفته است چنانچه فرموده اند راه راست
وچپ گمراه کننده است وحق طریق وسط است
مثل آنکه جمعی در باب حضرت امیرالمومنین علیه السلام
غلو کرده اند وبخدائی او قائل شده اند یااورا بهتر
از پیغمبر صلی الله علیه وآله میدانند وگمراه شده اند
وبعضی بامامت آنحضرت بلا فاصله قائل نشده اند
وکافر شده اند وراه راست وراه وسط راه
آن جماعتی است که اعتقاد بامامت آنحضرت بعد از
حضرت رسولؐ بی فاصله کردند ویازده نفر از
فرزندان آنحضرت را بترتیب بعد از و امام خود

شناختند و متابعت ایشان را در گفتار و کردار
بر خود واجب دانسته اند و ایشان هم چنانکه
در دنیا بر صراط مستقیم اند در آخرت نیز به آسانی
بر صراط میگذرند چنانکه در حدیث وارد شده است
که صراط دو صراط است یکی صراط دنیا که ولایت
و متابعت اهل بیت رسالت است که راه دین
حق است و دیگری صراط آخرت است که راه
بهشت است از برای مومنان و بر روی
جهنم کشیده است و مومنان که در دنیا بر صراط
دین حق ثابت مانده اند از آن صراط عبور
میکنند بسوی بهشت و در احادیث عامه و خاصه

مستفیضه وارد شده است که صراط مستقیم علی بن
ابیطالب است یعنی ولایت ومتابعت آنحضرت
واماماان از ذریت او یعنی مارا برایمان ثابت بدار
وبکمال مرتبهٔ یقین برسان وچون کمال ایمان
به محبت و ولایت انبیا واوصیا ومتابعت ایشان
است درین مقام اشاره بانمعنی نموده فرموده
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ یعنی صراط مستقیم
راه آن گروهی است که انعام کرده بر ایشان
ومراد نعمت دنیا نیست زیرا که نعمت دنیا را بمومنان
وکافران وصالحان وفاسقان عطا کرده است
بلکه بکافران وفاسقان بیشتر داده است پس مراد

نعمت دین محبت و معرفت و قرب رب العالمین
است چنانکه در آیه دیگر در شان شیعیان
اهل بیت علیهم السلام فرموده است که هر که اطاعت
خدا و رسول او کند و ولایت علی بن ابیطالب
و امامان از ذریت او و پس ایشان در بهشت
باکروهی اند که انعام کرده است خدا بر ایشان
از پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان
و نیکو رفیقانند ایشان و در احادیث وارد
شده است که مراد از پیغمبران حضرت رسول
صلی الله علیه و آله است و از صدیقان حضرت
امیرالمومنین علیه السلام و از شهیدان حضرت

امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام و از
صالحان سائر ائمهٔ هدی علیهم السلام پس مراد
ازین آیه آنست که راه رسول خدا صلی الله علیه
وآله و اهل بیت او را بمن بنما و مرا تابع ایشان
کردان و چون درین آیه اشاره بیک رکن
عمدهٔ ایمان فرمود که ولایت و متابعت دوستان
خدا باشد و بیزاری از دشمنان خدا نیز از ارکان
ایمانست و ایشان دو قسم اند یکی آنکه دانسته از
برای دنیا از راه حق بدر رفته اند مانند ابو بکر
و عمر و عثمان علیهم النیران و معاویه و یزید و سائر
خلفای بنی امیه و بنی عباس و علمای اهل سنت

و دیگر آنکه بنادانی متابعت ایشان کرده اند مثل
اکثر عوام سنیان پس اول اشاره بقسم اول نمود
و فرمود غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ یعنی نه راه
آن گروهی که غضب کرده بر ایشان که دانسته مخالفت
اهل بیت رسالت کرده اند پس اشاره بقسم ثانی
نمود و فرمود وَلَا الضَّالِّينَ یعنی نه راه آنجماعتی
که بنادانی گمراه شده اند و از اکثر احادیث چنین
ظاهر میشود و بعضی گفته اند که مغضوب علیهم
یهودانند و ضالین نصاری و بعضی گفته اند که مغضوب
علیهم آنهانند که در اصول دین گمراه شده اند
و ضالین آنهانند که در فروع گمراه شده اند

واما ترجمه سوره قدر إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ

الْقَدْرِ یعنی بدرستیکه ما فرستادیم قرآن مجید را در

شب قدر که شب نوزدهم یا بیست ویکم و یا بیست و

سوم ماه مبارک رمضانست واحادیث بیست و

سوم بیشتر است یعنی شبی که حق تعالی تقدیر امور سال

را دران شب میکند و خلاف است که نزول قرآن

دران شب چه معنی دارد بعضی گفته اند ابتدای

نزول دران شب شد و بعضی گفته اند ختم نزول

دران شب شد و بعضی گفته اند که همه دران شب از

لوح محفوظ به بیت المعمور نازل شد و در بیست و

سه سال آیه آیه و سوره سوره بحسب مصالح

نازل شد وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ واز کجا دانستی

که شب قدر چیست و چه فضیلت دارد تا ما نگوئیم

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ شب قدر

بهتر است از هزار ماه و در بعضی روایات وارد

شده است که عبادت شب قدر بهتر است از

عبادت هزار ماه که در آنها شب قدر نباشد و در

بعضی از اخبار وارد شده است که حضرت رسول

صلی الله علیه وآله در خواب دید که بنی امیه بر منبر او

مانند بوزینه بالا میروند و مردم از پس پشت

برمیگشتند ازین خواب ملول گردید که جبرئیل این

سوره را از برای تسلی آنحضرت آورد که شب قدر

برای اهل بیت تو و شیعیان ایشان در قوتها و
کرامتها که ایشا نرا در ان شب حاصل میشود بهتر است
از هزار ماه پادشاهی بنی امیه که در ان شب قدر نیست
تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ
مِنْ كُلِّ أَمْرٍ پیوسته تا روز قیامت فرود می آیند
فرشتکان و روح که اعظم است از فرشتکان ان شب
بر امام زمان بفرمان پروردکار ایشان برای
اعلام هر امری که مقدر شده است برای هر کس
در ان شب یا از برای هر امری از مصالح دین
و دنیای مردم سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ
یعنی باعث سلامتی است این شب از برای دوستان

خدا تا طلوع صبح با ملائکه و روح تا صبح بخدمت
امام علیه السلام می آیند و سلام میکنند یا آنکه در زمین
سلام میکنند از جانب خدا بر هر مومنی که در نماز یا در
رکوع یا سجود یا دعا باشد تا طلوع صبح و احادیث
درین باب بسیار است و این رساله گنجایش ذکر
آنها ندارد و اما تفسیر سوره توحید روایت کرده اند
از حضرت صادق علیه السلام که یهودان بخدمت
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند
نسب پروردگار خود برای ما بیان کن این سوره
نازل شد قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ یعنی بگو یا محمد که آنخدائی که از او
سوال کردید خداوندیست که مستحق عبادت است و

خالق جمیع ممکنات است و مستجمع جمیع صفات کمالست
و عقلها در ذات و صفات او حیرانست واحد است
یعنی هیچگونه کثرت در ذات و صفات او نیست
و مرکب از اعضا و اجزا نیست و بسیط مطلق است
و اجزای خارجیه و ذهنیه و عقلیه و وهمیه ندارد
و صفت موجود زاید بر ذات ندارد و در خداوندی
شریک ندارد الله الصمد یعنی خداوند معبود برحق
صمد است یعنی همه خلق در همه امور باو محتاج اند
و او محتاج بغیر خود نیست و همه چیزها باو قائم است
و او قائم بهیچ چیز نیست کامل بالفعل من جمیع الجهاتست
محل حوادث و انفعالات نیست لم یلد کسی از او

متولد نشده است چنانکه کفار مکه میگفتند که ملائکه دختران
خدایند و چنانچه ترسایان گفتند که عیسی پسر خداست
و چنانچه بعضی از یهودان گفتند که عزیر پسر خداست
و اگر نه بایستی که جسمی باشد مثل آنها و از نوع آنها
و مرکب باشد بانواع ترکیبات و محتاج و ممکن باشد
و محتاج بخالقی باشد که او را ایجاد کند و از حضرت
امام حسین علیه السلام منقولست که تتمه تفسیر لفظ صمد است
یعنی از وی چیزی کثیفی متولد نمیشود مانند فرزند و بول
و غائط و منی و بلغم و سائر کثافت که از مخلوقین جدا
میشود و نه چیزی لطیفی مانند نفس و کلام و صوت
و از او منبعث نمیشود حوادث مانند پینکی و خواب

وخطورات بال وغم واندوه وشادی وخند
وگریه وبیم وامید ورغبت وترس وماندگی وگرسنگی
وسیری وَلَمْ یُوْلَدْ یعنی زائیده نشده است و
اورا پدر و مادر نیست واین رد است بر نصاری
که عیسی زائیده شده است از مریم اورا خدا میدانند
وخدا موجود بذات خود است و وجود او هستند
بعلت وسببی نیست وحضرت سید الشهدا صلوات الله
علیه فرمود که یعنی از چیزی متولد نشده است واز
چیزی بیرون نیامده است او نه چنانکه اشیای
کثیفه از عناصر خود همه بیرون می آیند مانند حیوان
که از حیوان دیگر بهم رسد و مانند گیاه که از زمین

میرویید و مانند آب که از چشمه بیرون می آید و نه
مانند چیزهای لطیف که از مرکزهای خود بیرون
می آیند چون بینائی که از چشم بیرون می آید و شنوائی
که از گوش بهم میرسد و بوئیدن که از بینی بیرون
می آید و چشیدن که از دهان بیرون می آید و دانائی
و تمیز که از دل ناشی میشود و آتش که از سنگ بیرون
می آید بلکه اوست خدا وند صمد یعنی که نه از علت و سببی
بهم رسیده است و نه در چیزی است که مکانی
داشته باشند مانند جسم که محتاج بمکانی است و مانند
عرض که محتاج بمحل است چون سیاهی و سفیدی
و نه بر چیزی مانند پادشاهی که بر تخت نشسته باشد

وهمه ممکنات را او از عدم بوجود آورده است.
وبقدرت کامله خود همه را خلعت هستی پوشانیده است
وفانی میکرداند هرچه را خواهد زائل کرداند وباقی
میدارد هرچه را مصلحت در بقای او داند وَلَمْ یَكُنْ
لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ یعنی احدی از ممکنات کفو
ومثل وشبیه ونظیر او نیست پس نه جسم است که
باجسام ماند ونه جوهر است که بجواهر شبیه باشد ونه
عرض است که مانند اعراض محتاج بمحلی باشد ودر
خداوندی عدیل وشبیهی ندارد واز حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه پرسیدند از تفسیر این
سوره فرمود که خدا احد است بی آنکه تعددی در ذات

وصفات او باشد وصمد است یعنی آنکه اعضا واجزا
داشته باشد و فرزندی ندارد که وارث پادشاهی او
باشد زیرا که هرکه فرزندی وارد جسم است و در معرض
فنا است و ازان پادشاهی بدیگری میرسد و از
کسی متولد نشده است و اگر نه او بخداوندی سزاوارتر
خواهد بود و لا اصل شریک او خواهد بود در تفسیر این
سوره کریمه اگرکتابها نوشته شود و فضایل بعشری از
اعشار آن نمیتوانند کرد و سنت است که چون ازین سوره
فارغ شوند خواه در نماز و خواه در غیر نماز سه مرتبه بگویند
كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبِّي یعنی چنین است خداوندی
که پروردگار منست و بهترین سورها که در نماز خوانده شود

این دو سوره است و در حدیث وارد شده که
عجب دارم از کسی که این دو سوره را در نماز نخواند
چگونه نماز او مقبول میشود و در بعضی از روایات
وارد شده است که در رکعت اول سوره انّا
انزلناه بخواند که سوره حضرت رسول و اهل بیت
او علیهم السلام است و ایشان را شفیع خود کرده اند
در درگاه خدا و بایشان متوسل میشود و در رکعت
دوم سورۀ توحید بخواند که بعد از این دعا مستجاب است
تا آنکه دعائی که در قنوت بخواند مستجاب می شود
و روایت دیگر دلالت بر عکس آن میکند و هر دو خوب
است و فضیلت این دو سوره بسیار است اما سنّت

است که در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه سوره
هَلْ اَتٰی بخواند و در نماز شام و خفتن شب جمعه سوره
جمعه در رکعت اول و سوره سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ
در رکعت دوم بخواند و اگر در رکعت دوم سورهٔ
قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بخواند نیز خوب است و در صبح روز
جمعه سورهٔ جمعه در اول رکعت و قل هو الله در دوم
رکعت بخواند و در نماز جمعه و ظهر و عصر روز جمعه سوره
جمعه و مُنَافِقُوْن بخواند و در نماز خفتن سائر شبها
سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ بخواند پس چون
سوره تمام شود اندکی مکث کند پس دستها را بردارد
و بگوید اَللّٰهُ اَکْبَرُ از جهت رفتن برکوع و واجب
است

که آن مقدار کج شود که دستش بزانو برسد و مرد را نیز
سنت است که آنقدر کج شوند که پشتش مساوی شود
و زانو ها را به پشت بکشد و پایهای او کشاده باشد
و زنان را سنت است که بسیار خم نشوند بلکه آنقدر خم شوند
که دست ایشان بزانو ها تواند رسید و دستها را
بزانو ها نگذارند بلکه بر بالای زانو ها بر ران بگذارند
و دستها را بجو بچسپانند و هر ذکری کافی است
و بهتر آنست که سه مرتبه بگوید سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیْمِ
وَبِحَمْدِہٖ یعنی پاک و پاکیزه و مقدس و منزه میشناسم
پروردگار بزرگ خود را از هرچه لائق تعظمت و
جلال او نباشد و کبریا و جبروت او را نشاید حال آنکه

ملد ستایش میکنم او را بر آنکه مرا توفیق تنزیه خود

او داده است و یک مرتبه کافی است و پنج مرتبه و هفت

مرتبه بهتر است پس سر بر دارد و راست شود و بعد

ازان بگوید سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

الْعَالَمِيْنَ یعنی حق تعالی شنید و اجابت نمود و

جزای خیر داد هر کس را که ستایش او کرد و همه ثنا ها

و ستایشها برای خداوندیست که پروردگار عالمیانست

و بگفتن سمع الله لمن حمده مستحب بعمل می آید پس

اَللّٰهُ اَكْبَرُ بگوید در حالت دست بر داشتن چون

تمام کند برود بسجده و مرد دستها را پیش از زانو

بر زمین گذارد و زن را سنت است که زانو ها را

پیش از دستها بر زمین گذارد و پیشانی را بر زمین
گذارد یا بر چیزی که از زمین روئیده باشد که نخورند
و نه پوشند و سنت است که بر خاک کربلا باشد
و باید که هر دو دستها و زانوها و سر انگشتان مهین
پایها را بر زمین رساند و زور او بر همه اعضا باشد
و سنت است که بینی را بر خاک گذارد و مرد را سنت
است که بال گشاده باشد و اعضای او از یکدیگر
جدا باشد و زن را سنت است که اعضای خود را
بیکدیگر بچسباند و دستها را تا ذراع بر زمین بخواباند
و چون درست قرار گیرد ذکر کند بهتر آنست که سه
مرتبه سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ یا پنج مرتبه

یا هفت مرتبه بگوید و یکی کافیست و ترجمه آنست
که منزه و مقدس میدانم پروردگار خود را که از
همه چیز بلند تر است بحسب مرتبه از هر چه بلندی و رفعت
او را نسزد و نشاید حال آنکه مشغولم بستایش و
ثنای او بر آنکه توفیق بخشیده است مرا که تنزیه او بجا آرم
پس سر بر دارد و راست بنشیند و پشت پای راست
را بر شکم پای چپ گذارد و پس دست بر دارد
وَاللهُ اَکْبَرُ بگوید و بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّیْ وَاَتُوْبُ
اِلَیْهِ یعنی طلب آمرزش میکنم از پروردگار خود
و باز میگردم بسوی او پس بگوید اَللهُ اَکْبَرُ و دست
بر دارد پس بسجدهٔ دوم برود مثل اول و چون

دست نشیند اَللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید وچون خواهد که برخیزد

اول زانوها را بردارد و دیگر دستها را و در وقت

برخاستن بگوید بِحَوْلِ اللّٰهِ تَعَالٰی وَقُوَّتِہٖ

اَقُوْمُ وَاَقْعُدُ یعنی باری خداوند عالم که بلندتر

است از آنکه عقل با و برسد و بقدرت و توانائی

او برمیخیزم و می نشینم و زنان را سنت است که اول

دستها را بردارند و بعد از ان زانوهای خود را بکشند

و برخیزند بی آنکه عقب ایشان بلند شود و چون راست

بایستد سورهٔ حمد را بخواند وجوبًا و سورهٔ دیگر بخواند

قربةً الی الله و بهتر انست که قل هو الله احد بخواند

پس اَللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید از جهت قنوت در حالت

دست بر داشتن پس دستها را برابر رو باز دارد و شکم دست بجانب آسمان باشد و قنوت بخواند احتیاطا بقصد قربت و بهتر آنست که کلمات فرج را بخواند لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ یعنی نیست معبودی بحق بجز خدای یکتا جامع جمیع صفات کمال که بردبار و بخشنده است لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ یعنی نیست معبودی بحق بجز معبود بحق سزاوار پرستش که بلند مرتبه است و بزرگوار است سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِیْنَ السَّبْعِ وَمَا فِیْهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ وَالْحَمْدُ

۶۷

لله رب العالمین یعنی پاک و منزه و مقدس
است خداوندی که پروردگار آسمانهای هفتگانه
است و زمینهای هفتگانه است و پروردگار
انچه درین آسمانها و زمینها است و انچه درمیان
اینهاست و پروردگار عرش عظیم است یعنی
تختی که حق تعالی از بالای آسمانها و کرسی و حجب
و سرادقات خلق کرده است و از همه اجسام بزرگتر
است و در بعضی از اخبار تفسیر عرش بعلم حق تعالی
شده است و همه ستایشها و آفرینها مر خدای راست
که پروردگار جهانیانست و این دعا را کلمات
فرج میگویند و از بهترین دعاهاست و در همه قنوت

نماز ها مستحب است خصوصاً در قنوت نماز جمعه و

نماز وتر و تلقین میت در وقت جان کندن از

برای آسانی قبض روح پس بهتر است که بعد از این

بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ و بهترین

دعاها ست و دعا بدون صلوات بر محمدؐ مستجاب

نمیشود یعنی خداوندا رحمت و درود و ثنا و تحیت

فرست بر محمدؐ و آل محمدؐ که حضرت علیؑ و فاطمہؑ و یازده

امام از فرزندان ایشان اند پس بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي

الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

یعنی خداوندا بیامرز گناهان ما را و رحم کن بر ما

و عافیت ده ما را از دردها و بیماریها

و بلاها و عفو کن از خطاهای ما در سرای دنیا و آخرت

بدرستیکه تو بر همه چیز قادری و توانائی و هر چند

دعا بیشتر بخواند در قنوت بهتر است و در حدیث

وارد شده که هر که قنوت او طولانی تر است راحت

او در آخرت بیشتر است اما بدعای اول و آخر

و صلوات تنها و اقل دعا اکتفا میتوان کرد و اگر چه یکمرتبه

سُبْحَانَ اللّٰه باشد پس اَللّٰهُ اَکْبَر بگوید و برکوع رود

مثل رکعت اول و چون سر از سجدهٔ دوم بر دارد

و بر ران چپ نشیند و هر دو پا را از جانب راست

بیرون آورد و پشت پای راست را بر شکم پای چپ

گذارده و دستهارا بر رانها بگذارده و انگشتانرا

بگدیگر بچسپاند و نظر بدامن خود بکند و تشهد بخواند

وزن را در نشستن تشهد و غیران در نماز سنت

است که رانها یکدیگر بچسپاند و زانوها را از زمین

بردارد و برالیتین خود بنشیند بروشی که بر سر پا

بنشیند و اگر زانوها را از زمین بر ندارد دیگر بنشیند

که اعضا و رانها بهم چسپیده باشند و در تشهد شهادتین

واجب است با صلوات بر محمد و آل محمد بنا بر مشهور

و اولی آنست که صلوات را بقصد قربت بجا آورد

و باقی زیادتیها را بقصد سنت باین نحو بخواند

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَخَيْرُ الْاَسْمَآءِ

کلمة الله اشهد ان لا اله الا الله وحده

لا شریک له واشهد ان محمداً عبده

ورسوله اللهم صل علی محمد وآل محمد

وتقبل شفاعته فی امته وارفع درجته

یعنی یادی میجویم بنام بزرگ خدائی که سزاوار

پرستیدن است وبخدای یگانه و همه ثناها مخصوص

خداست و بهترین نامها مخصوص خداست اشهد

ان لا اله الا الله یعنی گواهی میدهم بانکه نیست

معبودی بغیر خدائی که مستجمع جمیع کمالات و مستحق

عبادات است و درحالتی که یکتا و منفرد است

درخداوندی او و او را شریک و انبازی نیست در

استحقاق عبادت واشهد ان محمدا عبده و

یعنی گواهی میدهم بانکه محمد بنده او ست و پیغمبر و

اوست و بهتر آنست که بعد از رسوله بگوید ارسله

بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة

اشهد ان ربی نعم الرب و ان محمدا نعم

الرسول و ان الساعة اٰتیة لا ریب فیه

و ان الله یبعث من فی القبور الحمد لله الذی

هدنا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدنا الله

یعنی فرستاده است او را براستی و درستی مشک

و شبهه در حالتی که بشارت دهنده است برحمت

و بفضل خدا کسی را که بدین حق اقرار کند و ترسانند است

از عقوبت و عدل خدا کسی را که از دین حق بدر رود

و یا اصرار بر کبائر کند و در پیش روی قیامت

مبعوث کرده است یعنی نزدیک بقیامت و پیغمبر

دیگر بعد از و مبعوث نیست گواهی میدهم که پروردگار

من نیکو پروردگاریست وانکه محمد نیکو رسولی است

و بدرستیکه قیامت آینده است و شکی و شبهه نیست

دران بدرستیکه خدا بر می انگیزاند و زنده میگرداند

آنهائی را که در قبرها مدفونند ثنا و ستایش مر خدای

را که بفضل خود راه نمود مارا باین اعتقادات

و نبودیم ما که بنبوت خود توانیم راه یافت اینها را

گر نه خدا ما را راه می نمود اللهم صل علی محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ یعنی خداوندا درود و نصرت بر محمد و آل

محمد یعنی تعظیم کن او را در دنیا باعلای دین او و اظهار

دعوت او و اعظام ذکر او و بقای شریعت او و در

آخرت بقبول شفاعت او در حق امت او و مضاعف

گردانیدن ثواب او و ظاهر گردانیدن فضیلت

او بر اولین و آخرین و تقدیم او بر کافهٔ انبیا و

مرسلین صلوات الله علیهم اجمعین و مذکور شد

که مراد بآل آنحضرت دوازده امام معصوم اند و حضرت

فاطمه علیها السلام وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ

وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ یعنی قبول کن شفاعت آنحضرت را

از برای امت او و بلند گردان درجهٔ او را به بهشت

پس سنت است که بعد از این دو مرتبه یا سه مرتبه بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ پس اگر نماز دو رکعتی باشد
سلام دهد و اگر سه رکعتی یا چهار رکعتی باشد بر میخیزد
و میگوید بِحَوْلِ اللّٰهِ تَعَالٰی وَقُوَّتِهِ اَقُوْمُ وَاَقْعُدُ
و نیز میگوید این را در برخاستن [illegible] رکعت چهارم
و مخیر است در دو رکعت آخر میان حمد و تسبیح اگر تسبیح
گوید میگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ احوط آن است که با اَللّٰهُ
اَکْبَرُ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ را ضم کند بقصد قربت و اگر
سه مرتبه بگوید با اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ اکمل است و اگر سه مرتبه
تسبیحات را بی اَللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید مجزی است و اگر

اللّٰهُ اَکْبَرُ در آخر الحاق کند که در تسبیح شود واحتیاط

است اما بخصوص روایتی ندارد و ظاهرا خوب است

واگر امام در نماز جماعت باشد حمد بهتر است واگر

منفرد است تسبیح افضل است و بعد از تشهد آخر نماز

باید که سلام بگوید بقصد قربت و بهتر آنست که چنین بگوید

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ

وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِیْنَ

اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ وسلام اول داخل تشهد

است وسنت است که دو سلام آخر هر یک را که پیشتر

بگوید بآن از نماز بیرون می آید یعنی سلام بر تو باد

ای پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او وسلام

بر ما باد و بر بندگان شایسته خدا و سلام بر شما باد
و رحمت خدا و برکتهای او یعنی زیادتی خیرات او
و باید از بندگان شایسته انبیا و ائمه را قصد کند
و در سلام آخر و ملکی که با اویند با سائر ملائکه و
مؤمنین و مؤمنات را قصد کند اگر پیش نماز باشد
ماموما نرا داخل کند و اگر ماموم باشد پیش نماز و سائر
ماموما نرا نیز قصد کند و احوط آنست که مرد قرائت
نماز صبح و دو رکعت اول نماز شام و دو رکعت
اول نماز خفتن را بلند بخواند بنحویکه جوهر صوت ظاهر
شود و مابقی را آهسته بخواند که شخصی که نزدیک او
باشد نشنود و خود بشنود یا جوهر صوت ظاهر نشود و

و زنان را بلند خواندن واجب نیست و در همه نمازها
آهسته خواندن بهتر است و ظاهرا بلند نیز میتوانند
خواند اگر نامحرم صدای ایشان را نشنود و اگر بشنود
البته آهسته بخوانند و می باید که سعی نماید در دو چیز
یکی اخلاص که در نماز و سایر عبادات بقصد طاعت
امر الهی واقع سازد و نه بقصد ریا دوم آنکه قرائت
را درست کند و حروف را از مخارج ادا نماید و وقف
در موضع وصل و وصل در موضع وقف نکند و اگر
اینها بعمل نیاید مشهور در میان علما آنست که نمازش
باطل است و باید دانست که تعقیب نماز یعنی ذکر
خدا و قرآن و دعا بعد از خواندن نماز متمم نماز است

وموجب حصول مطالب دنیا و آخرت است و
احادیث در فضیلت آن بسیار است و بهتر آنست
که در وقت تعقیب با وضو باشد و رو بقبله نشسته باشد
وسخنی نگوید در اثنای تعقیب خصوصا در تعقیب نماز
صبح وشام وظاهرا اینها موجب کمال تعقیب است
و در هر حالی که بعد از نماز مشغول دعا و قرآن و ذکر
باشد ثواب تعقیب فی الجمله دارد اگرچه در راه رفتن
یا سواری باشد واما در تعقیب هر نماز بعد از سلام
نماز سنت است که سه مرتبه اَللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید و در هر مرتبه
دستها را تا محاذی گوش بلند کند پس بگوید
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَاَنْجَزَ وَعْدَهُ

وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ

وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ أَنْتَ

السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَلَكَ السَّلَامُ

وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ سُبْحَانَ رَبِّكَ

رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى

الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ

الْمَهْدِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ

وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا

وَعَلَىٰ عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَىٰ عَلِیٍّ
اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
سَيِّدَیْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَجْمَعِيْنَ اَلسَّلَامُ
عَلٰى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰى
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ بَاقِرِ عُلُوْمِ النَّبِيِّيْنَ اَلسَّلَامُ
عَلٰى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِنِ الصَّادِقِ اَلسَّلَامُ عَلٰى مُوْسٰى
ابْنِ جَعْفَرِنِ الْكَاظِمِ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَلِيِّ
بْنِ مُوْسَى الرِّضَا اَلسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيِّ الْجَوَادِ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِنِ الْهَادِیْ
اَلسَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الزَّكِيِّ الْعَسْكَرِيِّ
اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَآئِمِ

المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین
پس تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها را
بخوانند که آن بهترین تعقیبات است حتی آنکه منقولست
که تسبیح آنحضرت را بعد از هر نماز خواندن بهتر است
از آنکه هر روز هزار رکعت نماز بکند و کیفیت آن اینست
که اول سی و چهار مرتبه اَللهُ اَکْبَرُ پس سی و سه مرتبه
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ پس سی و سه مرتبه سُبْحَانَ اللهِ گوید
و سنت است که بعد از آن لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ یکمرتبه
بگوید و این تسبیح را در وقت خواب خواندن نیز
ثواب بسیار دارد و بهتر آنست که بتربت حضرت
امام حسین حساب او را نگاهدارد و پس سه مرتبه بگوید

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ

الْقَیُّوْمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَاَتُوْبُ

اِلَیْهِ پس بگوید اَعُوْذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِیْمِ وَعِزَّتِكَ

الَّتِیْ لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِیْ لَا یَمْتَنِعُ

مِنْهَا شَیْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْیَا وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ

وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ كُلِّهَا وایضا بگوید اَللّٰهُمَّ

اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَیْرٍ اَحَاطَ بِهٖ

عِلْمُكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَحَاطَ بِهٖ

عِلْمُكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ عَافِیَتَكَ

فِیْ اُمُوْرِیْ كُلِّهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ خِزْیِ

الدُّنْیَا وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ پس بگوید اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّأَجِرْنِیْ مِنَ

النَّارِ وَارْزُقْنِی الْجَنَّةَ وَزَوِّجْنِی الْحُوْرَ الْعِیْنَ

وایضاً سنت است کہ سورۂ حمد بخواند و سورۂ قل اعوذ

برب الفلق و سورۂ قل اعوذ برب الناس این

آیات را بخواند خصوصاً آیۃ الکرسی تا ہم فیہا خالدون

پس آیۂ شہد اللہ تا سریع الحساب و آیۂ الملک تا بغیر

حساب پس بگوید آیۂ کرسی یعنی اَللّٰهُ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ لَا تَأْخُذُهٗ سِنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ لَهٗ

مَا فِی السَّمٰوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ

مَنْ ذَا الَّذِیْ یَشْفَعُ عِنْدَهٗ إِلَّا بِإِذْنِهٖ یَعْلَمُ

مَا بَیْنَ أَیْدِیْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیْطُوْنَ

بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ [illegible]

السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا

وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ

بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ

بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ

عَلِيمٌ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ

الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ

النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وبعده بخواند شهد الله

أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ

عِنْدَ اللّٰهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ

أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ

بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللّٰهِ

فَإِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ یس بگوید قُلِ اللّٰهُمَّ

مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ

الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ

مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ

فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ

ـم الحمد يرزق من يشاء بغير حساب بس بكويد
اللهم اهدني من عندك وافض علي من
فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل
علي من بركاتك بس بكويد اللهم اغنني
بحلالك عن حرامك وبفضلك عمن
سواك بس بكويد رضيت بالله ربا وبمحمد
صلى الله عليه وآله نبيا وبالاسلام دينا
وبالقرآن كتابا وبالكعبة قبلة وبعلي
وليا واماما وبالحسن والحسين وعلي بن
الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى
بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي

وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَالْحُجَّةِ ابْنِ
الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِمْ اَئِمَّةً اَللّٰهُمَّ
اِنِّیْ رَضِیْتُ بِهِمْ اَئِمَّةً فَارْضِنِیْ لَهُمْ اِنَّكَ
عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ پس ده مرتبه بخواند این
دعا را خصوصاً در صبح و شام اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا
صَمَدًا لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَّلَا وَلَدًا پس بگوید
اَسْتَوْدِعُ اللهَ الْعَظِیْمَ الْجَلِیْلَ نَفْسِیْ وَاَهْلِیْ
وَمَالِیْ وَوَلَدِیْ وَمَنْ یَعْنِیْنِیْ اَمْرُهٗ وَاَسْتَوْدِعُ
اللهَ الْمَرْهُوْبَ الْمَخُوْفَ الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهٖ
كُلُّ شَیْءٍ نَفْسِیْ وَاَهْلِیْ وَمَالِیْ وَوَلَدِیْ

وَمَنْ يُعِنِّيْ أَمْسُ بَيْن يَدَيْهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ
الَّذِيْ لَا يَمُوْتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ
لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَّلَا وَلَدًا وَّلَمْ يَكُنْ لَّهٗ شَرِيْكٌ
فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ
تَكْبِيْرًا پس حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ زیارت کند باین نحو
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيْبَ اللّٰهِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا اَمِيْنَ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ
اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ

لأمتك وجاهدت في سبيل ربك وعبدته

حتى أتاك اليقين فجزاك الله يا رسول الله

فضل ما جزى نبيا عن أمته اللهم صل

على محمد وآل محمد أفضل ما صليت على

براهيم وآل إبراهيم إنك حميد مجيد

وچون از تعقیب فارغ شود و خواهد که بسجده رود

بگوید سبحان ربك رب العزة عما

يصفون وسلام على المرسلين والحمد

لله رب العالمين اما تعقیب مخصوص بعضی از

نمازها بعد از نماز پیشین سنت است که بدست راست

ریش خود را بگیرد و دست چپ را بسوی آسمان

بلند کند و بگوید یَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّاَعْتِقْ رَقَبَتِیْ مِنَ النَّارِ
وایضاً بگوید اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ
وَعَجِّلْ فَرَجَھُمْ و بعد از نماز پسین سنت است که
ہفتاد مرتبہ بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰہَ رَبِّیْ وَاَتُوْبُ
اِلَیْہِ وسنت است که ده مرتبہ سورۂ انا انزلناه
بخواند و بعد از نماز شام و نماز صبح ہفتاد مرتبہ
بگوید بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰہِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ و چند مرتبہ بہتر
است و ہفت مرتبہ نیز اکتفا میتوان کرد تا ہفتاد
نوع بلا ہا ازو دور گردد و ایضاً سنت است که

بعد ازین در نماز ده مرتبه بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
يُحْيِیْ وَيُمِيْتُ وَيُمِيْتُ وَيُحْيِیْ وَهُوَ حَیٌّ لَا يَمُوْتُ
بِيَدِهِ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَیْءٍ قَدِيْرٌ واکر
پیش از بر آمدن آفتاب وپیش از فرو رفتن آفتاب بخواند
خوبست وبعد از نماز شام سه مرتبه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِیْ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ
غَيْرُهٗ وبعد از نماز خفتن سنت است هفت مرتبه سورهٔ
انا انزلناه بخواند وسنت است در صبح وشام
سیصد وشصت مرتبه بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِيْنَ حَمْدًا كَثِيْرًا عَلٰى كُلِّ حَالٍ وايضا

سنت موکده است نزدیک بطلوع آفتاب و نزدیک
بغروب آفتاب ده مرتبه بگوید اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِیْعِ الْعَلِیْمِ
مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِیْنِ وَاَعُوْذُ بِکَ رَبِّ اَنْ یَّحْضُرُوْنِ
اِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ و بدانکه بعد از فارغ شدن
از تعقیبات بعد از هر نماز سجده شکر سنت موکده است و
درین سجده بر خلاف سجده های دیگر سنت است که
دستها را بر زمین بخواباند و سینه و شکم را بر زمین برساند
و هر چند این سجده را طول بیشتر دهد بهتر است و اقلش
آنست که پیشانی را بر زمین گذارد و دعای بخواند پس
پهلوی راست رو را بر زمین گذارد و دعای بخواند پس پهلوی
چپ رو را بر زمین گذارد و همین دعا بخواند بعد از آن پیشانی را بر زمین

گذارد و ذکر بخواند اگرچه الحمد لله یا سبحان الله یا الله

باشد و اگر بلغت فارسی یا بلغت دیگر دعا کند و

حاجتهای خود را طلبد خوب است و بهتر آنست

که اول پیشانی را بر زمین گذارد و صد مرتبه اَلْعَفْوَ

اَلْعَفْوَ بگوید پس جانب راست رو را بگذارد و

همچنین این دعا را سه مرتبه بگوید یَا اَللّٰهُ یَا رَبَّاهُ

یَا سَیِّدَاهُ پس جانب چپ را بگذارد و همین دعا را

سه مرتبه بگوید پس پیشانی را بر زمین بگذارد و صد

مرتبه شُکْرًا شُکْرًا بگوید و سه مرتبه نیز اکتفا میتوان

کرد و اگر صد مرتبه شُکْرًا لِلّٰهِ بگوید بهتر است

پس بگوید اَسْئَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ

عِنْدَ الْحِسَابِ پس بگوید سَجَدَ وَجْهِيَ اللَّئِيمُ
لِوَجْهِ رَبِّيَ الْكَرِيمِ پس حاجتهای دنیا و آخرت
خود را بهر زبانی که داند از خدا بطلبد و اگر دو وقت
گذاشتن یکطرف رو ده مرتبه بگوید یَا اَللّٰهُ و از
طرف دیگر یَا رَبُّ بگوید خوب است و اگر یَا اَللّٰهُ
یَا رَبَّاهُ درین سجده بسیار بگوید حاجتش بر آورده
میشود پس سر بر دارد و سه مرتبه دست راست
را بر مهر یا بر موضع سجده بمالد و بجانب چپ رو
بمالد تا پیشانی و از پیشانی جانب راست رو بمالد
و از انجا بسائر بدن بکشد و اگر در هر مرتبه این دعا
بخواند بهتر است بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا

هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ اَللّٰهُمَّ
اِنِّیْ اَعُوْذُبِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَالسُّقْمِ
وَالْعُدْمِ وَالصِّغَارِ وَالذُّلِّ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَمَا بَطَنَ وچون از نماز برخیزد سنت است که بجانب
راست حرکت کند این مختصریست از دعاها و
اذکاریکه درینجا مذکور کردیم و سائر ادعیه و آداب را
در کتاب مقباس بیان کردیم و هر وقت که آدمی
ببامی یا صحرائی رود که اطراف آسمان نمایان
باشد و نظر کند بجانب راست و بجانب چپ و بالای
سر خود و پس بانگشت شهادت اشاره بجانب
قبر مقدس حضرت امام حسین کند و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

ثواب زیارت آنحضرت را میابد و از جانب راست
قبله اندکی که میگردد جانب قبر آنحضرت است
و هر وقتی که از منزلی حرکت کند بگوید بِسْمِ اللهِ
اٰمَنْتُ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ مَا شَاءَ اللهُ
لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ و چون پا بر کاب گذارد بگوید
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ و چون سوار شود آیة الکرسی
بخواند پس بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ
لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِيْنَ وَاِنَّا اِلٰى رَبِّنَا
لَمُنْقَلِبُوْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ تا از بلاها

بفضل خدا محفوظ باشند پس حاجتهای دنیا و آخرت
را از خدا بطلبد که البته بر آورده شود و بروایت
دیگر نزدیک پیشین دو رکعت نماز بکند در رکعت
اول سوره انا انزلناه و در رکعت دوم سوره
قل هو الله احد بخواند پس بسجده رود و صد مرتبه
بگوید شکراً شکراً پس حاجتهای خود را بطلبد
وامار و زبست و چهارم ماه ذی الحجة الحرام
مشهور آنست که روزیست که حضرت رسولؐ
نصارای نجران را بخواند و دعوت بمباهله نمود
و قبول نکردند و حقیّت آنحضرت ظاهر شد
و روزه این روز سنت است و غسل نیز سنت است

و در نیم ساعت پیش از زوال مثل نماز روز عید غدیر سنت است یعنی دو رکعت در هر رکعت ده مرتبه سوره حمد و ده مرتبه قل هو الله احد و ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه آیة الکرسی تا هم فیها خالدون بخواند خاتمه در بیان بعضی از احکام زنان است که مخصوص ایشان است در ستر عورت که مرد را واجب است که دو عورت پیش و پس را بپوشاند و زن را واجب است موافق مشهور که تمام بدن و مو را بپوشاند بغیر از رو و کف دست از بند دست خواه روی دست و خواه پشت دست و بغیر از قدمهای پا خواه پشت پا و خواه شکم پا

و اگر بر پاها چیزی بکشند و شکم پاها نمایان نشود احوط است و مستحب است زنان را پوشیدن سه جامه در نماز پیراهن و جامهٔ که بر بالای آن بپوشند و روپاک. و جائز است کنیز و صبیهٔ غیر بالغه را سر برهنه نماز کردن و در پوشیدن جامه حریر و طلا که مردان را جائز نیست پوشیدن آن و زنان را جائز است سوم مردان را در مسجد ها نماز کردن سنت است و زنان را در خانه نماز کردن سنت است و هر چند بستر اقرب باشد بهتر است حتی نماز ایشان در صندوق خانه و خانه عقب بهتر است از خانه پیش و در خانه پیش بهتر است از صحن خانه و در صحن خانه بهتر است

از بام خانه چهارم مردان راسنت است که در نماز
پاهای خود را بقدر یک شبر دور از یکدیگر بگذارند
و زنان راسنت است که پاها را نزدیک بیکدیگر
بگذارند پنجم مردان راسنت است که دستها را
در ایستادن بیاویزند و بر رانها بگذارند برابر
زانوها و زنان راسنت است که بر پستانهای
خود بگذارند جدا از یکدیگر ششم زنان را نماز بجماعت
کردن آنقدر تاکید ندارد که مردان را دارد
و پیش نمازی زنان مردان را جائز نیست هر چند
محرم باشند اما پیش نمازی زن زنان را هرگاه
متصف بصفات پیش نمازی باشند محل خلاف است

واشهر کراهت است واحوط ترک است و مرد پیشنماز
زنان را می تواند کرد هرچند میان پیشنماز و ایشان
حائلی باشد که او را و ماموان او را نبینند هرگاه بر احوال
او مطلع باشند بنا بر مشهور و مرد و زن اجنبی
که محرم نباشند در خانه خلوت که دیگری نباشد
نماز نکنند احتیاطاً و اگر مردی و زنی باهم
در یک خانه نماز کنند که حائلی درمیان ایشان
مانند دیوار یا پرده نبوده باشد احوط آنست
که زن عقب بایستد و مرد پیش بایستد آنقدر
که در احوال صلوة جزوی از زن محاذی جزوی
از مرد نباشد حتی در سجود مگر آنکه ده ذرع فاصله

میان جا تی ایستادن مرد و ایستادن زن بود و به باشد

این مجملی است از احکام مختلفه مردان و زنان را

واحکام دیگر هست که در کتب مبسوطه مذکور است

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ

عَلٰی رَسُوْلِهٖ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ الْمَعْصُوْمِیْنَ